

هشتمین وزیر علوم

مرتضی قلی خان صنیع الدوله

اقبال یغمایی

یادداشت

تاکنون در باب تاریخ معارف و مدارس جدید ایران تحقیق شایسته و مفصلی صورت نگرفته است. اگر از کتاب سه جلدی دکتر حسین محبوبی اردکانی که با نام تاریخ مؤسسات تمدنی در ایران جزو انتشارات دانشگاه تهران منتشر شده و بخشی از آن به شرح مدارس و سایر مؤسسات فرهنگی در سده اخیر اختصاص دارد بگذریم، دیگر پژوهش همه‌جانبه‌ای در این زمینه انجام نشده است. مقاله‌ای که در زیر نقل می‌شود قسمت کوتاهی از کتاب برجسته وزیران علوم و معارف و فرهنگ در ایران نوشته اقبال یغمایی نویسنده و تاریخ‌نگار میرزا است که به‌زودی از سوی مرکز نشر دانشگاهی منتشر خواهد شد. یغمایی از سالها پیش پژوهشهای دنباله‌دار و گسترده‌ای در باره تاریخ تحولات فرهنگ ایران از عصر ناصرالدین شاه تاکنون انجام داده که بخشی از آنها در مجله آموزش و پرورش منتشر شده است. نخستین نوشته درباره وزیران اختصاص به احوال علی‌قلی میرزا اعتضادالسلطنه، نخستین وزیر علوم،

داشت که در شماره سوم سال ۲۴ این مجله (آذر ۱۳۲۸ ش) انتشار یافت. از آن پس با وقفه‌ای چند ساله دنباله این تحقیقات در سال ۳۷ این مجله (۱۳۴۶ ش) آغاز شد و تا سالها ادامه یافت. اکنون نویسنده با ادامه مطالعات و تکمیل پژوهشهای خود در باب هریک از صاحبان تراجم و نیز افزودن زندگینامه‌های جدید دامنه کار را وسعت داده و از هر روی در تکمیل آن کوشیده و آن را به روزگار نخست‌وزیری دکتر محمد مصدق رسانده است.

اقبال یغمایی نثر فارسی را به شیوه‌ای مطلوب و دلنشین می‌نویسد و تسلط او بر جنبه‌های گوناگون فارسی‌نگاری قابل توجه است. نثر او روان و شیرین و جذاب است و آهنگی خاص دارد و خواننده را در هر حال با خود می‌کشد. این مقاله بخشهایی از احوال هشتمین وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه است که (با حذف حاشیه‌های متعدد آن) پیش از انتشار کتاب در معرض مطالعه علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. ن.د.

مرتضی قلی خان صنیع الدوله، فرزند علی‌قلی خان مخبرالدوله و نوه رضاقلی خان هدایت متخلص به لله‌باشی، شب پنجشنبه نهم صفر ۱۲۷۳ قمری برابر ۱۲۲۵ شمسی در تهران زاده شد. پس از فراگرفتن علوم مقدماتی برای تحصیل مدارج بالاتر در دارالفنون به تلمذ پرداخت؛ و چون از کودکی به آموختن هنر و کارهای فنی و صنعتی شوق بسیار داشت پدرش که قدر و ارزش این استعداد را نیکو می‌شناخت وی را به آلمان فرستاد تا در خدمت استادان بزرگ هنرور بار آید. مرتضی قلی خان پس از مدتی اقامت در آلمان برای دیدار پدر و مادر و دیگر بستگانش به تهران بازگشت. مدتی ماند و هنگام مراجعت به آلمان مهدی قلی خان، برادرش، را که هفت سال از او کوچکتر بود برای تحصیل دانش با خود به اروپا

برد. او طی مدت اقامت و تحصیل در آلمان چندان به فراگرفتن دانش و هنر کوشید که در رشته معدن‌شناسی مدرسه صنعتی آلمان فارغ‌التحصیل و میان همه همدرسان خود شاگرد اول شد و اولیای مدرسه بدین مناسبت جایزه‌ای گرانقدر به او دادند.

در طول مدتی که مرتضی قلی خان در آلمان به تحصیل اشتغال داشت ناصرالدین شاه گاه‌گاه از مخبرالدوله، پدر وی، چگونگی تحصیل و پیشرفت او را جویا می‌شد. سرانجام مرتضی قلی خان پس از پانزده سال تحصیل در اروپا به ایران بازگشت. در آن هنگام سی و پنج سال داشت و برای پذیرفتن مشاغل مهم از هر جهت آماده بود و چون از هر نظر شایسته و در خور ترقی بود شاه اجازه داده بود که احترام السلطنه، دختر مظفرالدین میرزای ولیعهد، را به



صنیع الدوله

بزرگترین مقام می‌یافت. سزاوار و درخور آن بود.

اول بار وزیر خزانه شد، اما دوران وزارتش کوتاه بود و زبانها برد. پس از آن به سال ۱۳۱۶ قمری امور پست به او سپرده شد. در این کار نیز با اینکه متناسب با رشته تحصیلاتش نبود هوشمندی و قابلیت خویش را نشان داد اما بدخواهان چندان نزد شاه از او سعایت کردند که معزول و خانه‌نشین شد و مدتی اوقات خود را به مطالعه می‌گذراند.

در سال ۱۳۲۰ قمری، مظفرالدین شاه او را برای خریدن یک کشتی جنگی به اروپا فرستاد. صنیع الدوله به «برم» آلمان رفت و به کارخانه کشتی‌سازی آن شهر ساختن کشتی سریع‌السیری را سفارش داد و پس از اینکه ساخته شد به ایران آورد. این ناو که مجهز به چند توپ بود کشتی مظفری نامیده و به پاسداری سواحل ایران در خلیج فارس مأمور شد.

پس از صدور فرمان مشروطیت، میرزانشیرالله مشیرالدوله، صدراعظم وقت، مرتضی‌قلی‌خان صنیع الدوله، مهدی‌قلی‌خان مخبرالسلطنه، میرزا حسن خان محتشم السلطنه را به تدوین و تنظیم نظامنامه انتخابات مأمور کرد و این سه با همکاری میرزا حسن خان و میرزا حسین خان، دو پسر مشیرالدوله، نظامنامه جامعی نوشتند که روز ۲۲ رجب ۱۳۲۴ به توشیح شاه رسید. صنیع الدوله رئیس کمیسیون تنظیم و تدوین نظامنامه انتخابات بود و بیش از دیگر همکارانش زحمت کشید. روز ۱۷ شعبان ۱۳۲۴ قمری اولین دوره مجلس شورای ملی گشایش یافت و روز نوزدهم شعبان در جلسه‌ای که در محل مدرسه نظام تشکیل شد صنیع الدوله که از

زنی بگیرد. پیمان زناشویی این دو روز پنجشنبه بیست و یکم شعبان ۱۳۰۶ قمری برابر ۱۲۶۸ شمسی انجام پذیرفت و جشن عروسی که از جمله باسکوهترین و پرخرجترین جشنها بود مدت هفت روز ادامه داشت. اما زندگی مشترکشان بسیار نپایید. حد احترام السلطنه سحرگاه روز هشتم شعبان ۱۳۲۱ قمری درگذشت.

مرتضی‌قلی‌خان به خدمت در اداره معدن که در آن زمان از ادارات تابع وزارت علوم بود و زیر نظر مخبرالدوله اداره می‌شد مأمور شد، اما وی که لقب صنیع الدوله گرفته بود به این کارهای کوچک خرسند نبود و بر این امید بود از آن همه تحصیلات عالی که کرده بود بسزا بهره بگیرد و به کارهای بزرگ دست بزند، ولی چون سرمایه کافی نداشت هر نقشه که در ذهن خود می‌کشید به تمر نمی‌رسید. سرانجام حاجی محمد تقی شاهرودی را که از بازرگانان معتبر و نیکنام بود حاضر کرد که با شرکت یکدیگر کارخانه نخریسی و پارچه‌بافی از سویس وارد و دایر کنند. این کار به مرحله اجرا درآمد و پس از اینکه کارخانه نصب و آماده بهره‌برداری شد صنیع الدوله ناصرالدین شاه را به دیدن آن دعوت کرد و شاه پس از معاینه آن واحد صنعتی، مرتضی‌قلی‌خان و حاجی محمد تقی شاهرودی را تشویق کرد.

چون مصنوع این کارخانه خوب و مرغوب بود مورد پسند عامه افتاد، اما رقابتها و کارشکنیهای روس و انگلیس موجب تعطیل کارخانه شد و دایرکنندگان آن زیان بردند.

صنیع الدوله به پیشرفت صنعت در ایران علاقه بسیار داشت و همین دل‌بستگی وی را برانگیخت که چند ماه پس از تأسیس کارخانه نخریسی و پارچه‌بافی، کارخانه فلزکاری کوچکی نیز دایر کند. این کارخانه در اوایل سال ۱۳۱۳ قمری مورد معاینه شاه قرار گرفت و او به منظور تشویق صنیع الدوله چند پایه چراغ فلزی و بعضی مصنوعات دیگر این کارخانه را خرید. کارخانه فلزکاری هم بر اثر حمایت نکردن مردم و کارشکنی بدخواهانش اندک‌اندک از رونق افتاد و پس از مدتی تعطیل شد.

اگر صنیع الدوله سرمایه کافی می‌داشت و مصادر امور از او پشتیبانی می‌کردند، با تحصیلات فنی عالی و شوق و شوری که در کار ایجاد واحدهای صنعتی داشت بی‌گمان با احداث کارخانه‌های متنوع جنبشی عظیم در صنعت ایران به وجود می‌آورد، اما از همه اینها محروم بود و ناچار دل از نقشه‌های مفید و آرزوهای خود برکند و او نیز چون دیگر رجال آن دوره دل به ریاست و وزارت بست.

چنانکه یاد شد، صنیع الدوله هم دارای تحصیلات عالی بود و هم واجد و صاحب فضایل و سجایای بزرگ؛ متفکر، امین، درستکار، آزادیخواه، تیزنظر، بزرگ‌رای، و وطنخواهی صادق و صمیم بود و همه اسباب بزرگی را آماده داشت، بنابراین اگر

طرف طبقه اعیان تهران به نمایندگی انتخاب شده بود به ریاست مجلس برگزیده شد.

گفتنی است که چند روز پس از گشایش مجلس شاگردان مدارس به هیئت اجتماع برای عرض تهنیت و شادباش به مجلس رفتند و صنایع‌الدوله به هریک از شاگردان یک برگ فرمان مشروطیت را که به خط خوش چاپ شده بود اعطا کرد.

صنایع‌الدوله تا زمانی که بر این سمت بود با اینکه بیشتر نمایندگان به وظایف خطیر خود آشنا نبودند و اغلب نمایندگان مغرور و خام‌سخن اطاعت قانون را مخالف شوون و مقامات خویش می‌پنداشتند با لیاقت و قدرت مجلس را اداره کرد و متمم قانون اساسی را به امضای محمد علی شاه رساند (۲۹ شعبان ۱۳۲۵). او در خدمتگزاری به حقیقت صدیق و صمیم بود و هیچ خدمت به امید پاداش مادی نکرد. در جلسه‌ای که روز شنبه ۲۹ شوال ۱۳۲۴ در مجلس شورای ملی تشکیل شد سیدحسین بروجردی پیشنهاد کرد که برای وکیلان مجلس حقوقی معین شود تا نمایندگان که تنگ‌مایه‌اند و بضاعتشان اندک است بی‌تشویش خاطر به وظایف پر مسؤلیت خویش بپردازند. بیشتر نمایندگان از پیشنهاد سیدحسین خشنود شدند، اما صنایع‌الدوله برآشفست و گفت: اکنون ما مسائل مهمتر و دشوارتری در پیش داریم که باید با دقت و دوراندیشی تمام در باره آنها بحث کنیم و اگر موقعیت و استحقاق یافتیم، نوبت حقوق هم می‌رسد.

مجلس اول، چنانکه آرزوی مردم بود، به رهبری صنایع‌الدوله و یاری چند تن از روشنفکران بی‌غرض و کارآزموده کارهای بزرگی انجام داد. نمایندگان این مجلس شخصیت واقعی خود را با رد پیشنهاد قرضه که دولت تقدیم کرده بود نشان دادند...

صنایع‌الدوله در مدتی که رئیس مجلس شورای ملی بود به سبب مشکلاتی که در پیش داشت چند بار استعفا داد. روز سه‌شنبه پانزدهم ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ قمری در حالی که وثوق‌الدوله نایب رئیس اول مجلس به جای صنایع‌الدوله نشست بود «آقا سیدمحمدتقی گفت: لایحه‌ای است که از طرف صنایع‌الدوله به مجلس محترم ایفاد شده، قرائت می‌شود:

خدمت وکلای عظام، دامت تأییداتهم، اظهار می‌شود چند روز قبل از اعضای مجلس ملی استدعای معافی از ریاست مجلس نمود، ولی این مطلب به جهاتی مجهول ماند. لهذا امروز کتباً اظهار می‌دارد که این بنده از عهده این خدمت برنمی‌آید و استعفا می‌خواهد».

مجلس در همین جلسه برای انتخاب رئیس جدید رأی گرفت. مجدداً صنایع‌الدوله به اکثریت ۷۵ رأی به ریاست انتخاب شد. وثوق‌الدوله ۱۳ رأی و مستشارالدوله یک رأی داشت. مرتضی‌قلی‌خان به احترام رأی و نظر نمایندگان از سرناچاری

دگر بار ریاست مجلس را پذیرفت. تا وقتی که هرج و مرج تا مرحله آدمکشی در تهران پیش نرفته بود با خردمندی و قدرت و درایت و بی‌طرفی مجلس را اداره می‌کرد، اما همینکه میرزاعلی اصغرخان اتابک کشته شد، و او به سبب کارهای مثبتی که کرده بود مورد حسادت و دشمنی نامؤمنان بیماردل داخلی و تهدید بیگانگان قرار گرفت، ناچار از ادامه خدمت در چنان شرایط هراسان شد. از خانه بیرون نیامد و تا احتشام السلطنه به جانشینی وی انتخاب نشد آسوده نشست.

متن استعفای صنایع‌الدوله را حاج‌امین‌الضرب، نایب رئیس مجلس، در جلسه مورخ شنبه ۲۸ رجب ۱۳۲۵ به این شرح قرائت کرد:

«حضور ذی‌سعادت ظهور وکلای عظام، ادام‌الله تأییداتهم. در بدو تأسیس این مجلس که تنها باعث سعادت ملت و آبادی مملکت بود بعضی نظر به حسن ظنی که به این بنده داشتند به ریاستم منتخب کردند، و چون برحسب نیت صاف خود چنین اقدامی را نموده بنده هم قبول کرده و کفی بالله شهیداً آنچه لازمه کوشش و سعی بود فروگذار نکردم. اگر قصوری می‌شد، علت آن بود که اسباب فراهم نبود. و هرچه هر روز بر خدمات خود افزودم نتیجه به عکس بخشید و رفته‌رفته خدمات صادقانه در خفیه ماند، بلکه علناً در معبرها بد گفتند، بلکه تهدید به قتل کردند. اینک بدون هیچ شکایت و گله عرض می‌نمایم و استدعا می‌کنم که این استعفای سوم را بپذیرفته و به همان وکالت، اگر سزاوار هستم، قبول فرمایند».

استعفای صنایع‌الدوله با تأسف عمیق نمایندگان و از روی اضطرار قبول شد.

خبر استعفای صنایع‌الدوله در شماره ۱۰۸ روزنامه حیل‌المتمین، چاپ تهران، مورخ چهارشنبه ۲۵ رجب ۱۳۲۵ بدین صورت انتشار یافت:

«جناب صنایع‌الدوله از روز یکشنبه گذشته ۲۲ رجب از شغل خطیر ریاست مجلس مقدس استعفا داده، قلاده این امر خطیر و مسؤلیت عمده را از گردن خود برداشته. تاکنون در مجلس علنی از این مسأله صحبتی به میان نیامده. معلوم نیست استعفای ایشان قبول خواهد شد یا نه، و بر فرض قبول، ثانیاً که را به ریاست انتخاب خواهند کرد. احتمال می‌دهد قبول نکنند یا ثانیاً ایشان را مجدداً انتخاب نمایند. ولی گویا صنایع‌الدوله در کناره کردن از

نمود که اعاده نظم و امنیت مملکت و استقرار حقوق و اطمینان قلوب ملت بدون تغییر سلطنت مقدور نخواهد بود و پادشاه سابق انزجار طبایع ملت را در حق خود به درجه کمال یافته در سفارت محترمه دولت بهیئۀ روس به حمایت دولتین فخمیتین روس و انگلیس پناهنده شده بالطبع خود را از تاج و تخت ایران بی‌نصیب و مستعفی نمود، علیهذا در غیاب مجلسین سنا و شورای ملی مجلس فوق‌العاده‌ای برحسب ضرورت فوری روز جمعه ۲۷ جمادی‌الآخری ۱۳۲۷ در تهران در عمارت بهارستان تشکیل یافته اعلیحضرت قوی شوکت اقدس سلطان احمد میرزا، ولیعهد دولت علیه، را به سمت شاهنشاه ایران منصوب و نیابت سلطنت را عجتاً به حضرت مستطاب اشرف عضدالملک تفویض نمود که بعد از تشکیل پارلمان بنا به ماده ۳۸ قانون اساسی در بابت نیابت سلطنت موافق مقتضیات وقت قرار قطعی داده شود.»

مجلس عالی در همین روز محمدولی‌خان سپهداراعظم را مأمور تشکیل کابینه کرد. در این کابینه که یازدهمین هیئت دولت قانونی و نخستین کابینه سپهدار اعظم بود و روز شنبه ۲۸ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ به کار آغاز نهاد، صنیع‌الدوله وزیر معارف و اوقاف بود.

در دوازدهمین کابینه قانونی، دومین کابینه سپهداراعظم که پانزدهم رمضان ۱۳۲۷ روی کار آمد، صنیع‌الدوله همچنان وزیر معارف و اوقاف بود.

در سیزدهمین کابینه قانونی، سومین کابینه محمدولی‌خان سپهداراعظم که چهارشنبه ۱۷ ذیقعده ۱۳۲۷ تشکیل شد، صنیع‌الدوله همچنان وزیر معارف و اوقاف بود.

در چهاردهمین کابینه قانونی، چهارمین کابینه سپهداراعظم که شنبه ۲۴ محرم ۱۳۲۸ بر سر کار آمد، مسؤولیت وزارت معارف و اوقاف همچنان به مرتضی‌قلی‌خان صنیع‌الدوله واگذار شد.

در پانزدهمین کابینه قانونی که سپهداراعظم مأمور تشکیل هیئت دولت شد، پنجمین کابینه‌اش را روز پنجشنبه ۱۷ ربیع‌الثانی ۱۳۲۸ معرفی کرد، وزیر معارف و فواید عامه این کابینه صنیع‌الدوله بود.

در شانزدهمین کابینه قانونی که سپهداراعظم ششمین کابینه‌اش را شنبه ۱۱ جمادی‌الاولی ۱۳۲۸ تشکیل داد، صنیع‌الدوله وزیر معارف و فواید عامه بود.

در هجدهمین کابینه قانونی، مستوفی‌الممالک دومین کابینه خود را روز شنبه ۲۵ شوال ۱۳۲۸ تشکیل داد، وزیر مالیه‌اش صنیع‌الدوله بود...

صنیع‌الدوله در دوران وزارت علوم خود به امید رفع بعضی از نقایص معارف به تشکیل انجمن معارف کوشید. وی روز چهارشنبه بیستم شوال ۱۳۲۵ گروهی از مردان خوشنام را که در

ریاست مصر است و از عهده خود خارج می‌داند.»

در چهارمین کابینه قانونی که به ریاست ناصرالملک تشکیل شد و از شنبه هجدهم رمضان تا ۱۴ ذیقعده ۱۳۲۵ قمری ۵۶ روز مدت گرفت صنیع‌الدوله وزیر علوم و فواید عامه بود.

پس از سقوط کابینه ناصرالملک، حسین‌قلی‌خان نظام‌السلطنه اولین دولت خود را که پنجمین کابینه قانونی است در تاریخ ۱۶ ذیقعده ۱۳۲۵ تشکیل داد. در این کابینه، که تا ۲۵ محرم ۱۳۲۶ به مدت ۶۸ روز بر سرکار بود، صنیع‌الدوله همچنان وزیر علوم و اوقاف و فواید عامه بود.

در ششمین کابینه قانونی، که دگر بار روز ۲۶ محرم ۱۳۲۶ به ریاست نظام‌السلطنه تشکیل شد و تا آخر ربیع‌الثانی ۱۳۲۶ به مدت ۹۳ روز ادامه داشت، صنیع‌الدوله وزیر مالیه و وزیر فواید عامه بود.

در هفتمین کابینه قانونی، که از هفتم جمادی‌الاولی ۱۳۲۶ به ریاست مشیرالسلطنه تشکیل شد و تا ۲۳ جمادی‌الاولی ۱۳۲۶ به مدت ۱۷ روز ادامه داشت، صنیع‌الدوله وزیر مالیه بود؛ و این آخرین کابینه دوره اول مشروطیت بود.

پس از اینکه مجاهدان بر استبدادطلبان پیروز شدند و تهران به تصرف آزادیخواهان در آمد، صبح روز جمعه ۲۷ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ قمری محمدعلی‌شاه ناچار با چندتن از وفادارترین یاران خود از جمله ارشدالدوله، حسین پاشاخان امیر جنگ، مجلل‌السلطان، با عده‌ای از سربازان سیلاخوری، از سلطنت‌آباد بیرون و راهی سفارت روس در زرگنده شد، و بدین‌گونه ننگ حمایت دولت روس را بر خود آسان گرفت و از پادشاهی ایران چشم پوشید.

بعدازظهر همین روز، عده‌ای از برگزیدگان نمایندگان سابق مجلس شورای ملی و بعضی شاهزادگان و بزرگان و بازرگانان و رؤسای اصناف در مجلس شورای ملی گرد آمدند و برای انجام یافتن کارهای بسیار لازم و تشکیل مجلس شورای ملی و سنا یک مجلس عالی بر پا داشتند. افراد مؤثر این مجلس عالی اینان بودند: مرتضی‌قلی‌خان صنیع‌الدوله، میرزا حسن‌خان وثوق‌الدوله، میرزا سید محمد امامزاده، صدرالعلماء، ...

مجلس عالی در زمان به کار آغاز نهاد و پس از شور و تبادل نظر این لایحه را تنظیم و منتشر کرد:

«چون احوال و اوضاع حاضره مملکت ایران معین و مسلم

همین جهت در کابینه‌هایی که او وزیر مالیه یا وزیر فواید عامه بود یا یکی از بستگان نزدیکش وزیر علوم می‌شد یا به احترام شخصیت و نفوذی که داشت این وزارت بی‌وزیر می‌ماند و وی آن وزارتخانه را سرپرستی می‌کرد.

صنیع‌الدوله از دسایس روس و انگلیس و دشمنیها و غرض‌ورزیهای درباریان متنفذ آگاه بود و هر جا و هر زمان فرصت می‌یافت به تندی انتقاد می‌کرد. از اوایل ماه ربیع‌الاول ۱۳۲۷ از طرف بسیار کسان به شدت مورد تهدید قرار می‌گرفت و سرسپردگان به بیگانگان و شراندیشان همدست و همداستان شدند که به محض یافتن فرصت او را بکشند و چنین کردند، و صنیع‌الدوله به گناه هوشیاری و آزادگی و وطن‌پرستی کشته شد.

«ایرلوان» نامی که از مهاجران قزلباش بود به همدستی «ایوان» ارمنی بعد از ظهر روز شنبه چهارم صفر ۱۳۲۹ او را بر در سرایش به تیر زدند. کسان صنیع‌الدوله دکتر اسکات را که طبیب بانک شاهی بود بر بالین او حاضر کردند، اما معالجات سودمند نیفتاد و در شب ششم صفر درگذشت و در آرامگاه هدایت واقع در ضلع شمالی خیابان اسلامبول به خاک سپرده شد.

«مخبرالسلطان که روز محاکمه در وزارت خارجه حاضر بوده است نقل می‌کرد که در استنطاق معلوم شد که تحریک سپهسالار بوده و هفت تیر را در منزل او سردار محیی به آن ارمنیها داده است. سردار محیی بعدها کشته شد و سپهسالار ۲۷ تیر ماه ۱۳۰۵ انتحار کرد» (خاطرات و خطرات، ص ۲۲۲).

چون در آن زمان محاکمه مجرمان خارجی در اختیار کارگزاران ایران نبود دولت تزاری روسیه به بهانه اینکه این دو تبعه روس‌اند آنان را از وزارت خارجه تحویل گرفت، به روسیه فرستاد، و در آنجا ظاهراً آزاد شدند.

مختصر آنچه سیدعلی محمد دولت‌آبادی در «کتاب خاطراتش» در باره کشته شدن صنیع‌الدوله آورده چنین است:

«روز شنبه چهارم صفر ۱۳۲۹، صنیع‌الدوله از وزارت مالیه بیرون می‌آید و در کالسکه‌اش می‌نشیند. بالای میدان توپخانه کالسکه‌چی از او می‌یرسد کالسکه را به کجا برانم. صنیع‌الدوله می‌گوید هوا سرد است به خانه می‌روم. مقابل خانه‌اش دو نفر گرجی که آنجا بودند یا از کافه اخوت بیرون آمده بودند از عقب کالسکه شلیک می‌کنند. سد تیر به صنیع‌الدوله می‌خورد. کالسکه‌چی او را به خانه می‌برد و دکتر به معالجه‌اش می‌پردازد، اما درمان نمی‌یابد و شش ساعت از شب گذشته یکشنبه پنجم صفر درمی‌گذرد. پیش از مرگ می‌گوید آسوده شدم، و وصیت می‌کند در تربیت اولادش غفلت نکنند.»

صنیع‌الدوله هنگامی که درگذشت چهار پسر و شش دختر داشت.

انجمنهای مختلف تهران عضویت داشتند دعوت کرد تا با مشورت و همفکری آنان اساسنامه انجمن معارف را تدوین و اعضای آن را انتخاب کنند. شرکت کنندگان پس از تبادل نظر بر این عقیده شدند که دو مجلس برقرار شود: یکی عمومی. مرکب از نمایندگان انجمنها و جمعی که وزیر انتخاب کند، و این انجمن هر دو ماه یک بار تشکیل شود؛ دیگری خصوصی که در حکم کمیسیون انجمن عمومی و مرکب از بیست نفر باشد که ده نفر آنان را وزیر و ده نفر دیگر را نمایندگان انجمنها از میان افراد خود به اکثریت آرا انتخاب کنند، و این مجلس هفته‌ای یک بار تشکیل یابد.

در همان روز مجلس عمومی تشکیل یافت و نامردگان در ذیل به عضویت مجلس عمومی انتخاب شدند: اعلم‌الدوله با ۴۱ رأی، یمین نظام با ۳۱ رأی، آقا شیخ محمدعلی تهرانی با ۲۴ رأی، معزالسلطان با ۲۲ رأی، حاجی میرزا رضاخان با ۲۲ رأی، معاون نظام با ۱۷ رأی، معززالممالک با ۱۷ رأی، مدحت‌الممالک با ۱۶ رأی، بهاء‌الواعظین با ۱۶ رأی، مصطفی قلی‌خان با ۱۴ رأی.

حقیقت این است که صنیع‌الدوله در سالهای پرآشوبی که وزارت علوم سپرده به او بود آرزوی بسیار داشت که معارف را توسعه و گسترش دهد، اما به سبب خالی بودن خزانه و دیگر عوامل بازدارنده توفیق بسیار نیافت. با وجود این مشکلات بزرگ و دشواریهای دیگر، در رمضان ۱۳۲۷ یک باب مدرسه ابتدایی پسرانه و یک باب مدرسه ابتدایی دخترانه در صاحبقرانیه تأسیس کرد و اداره آنها را به شیخ محمدحسین شیخ‌الاسلام سپرد و نخستین مدرسه‌هایی که در حومه تهران تأسیس یافت این دو مدرسه بود. در این دو مدرسه جز از دروس معمولی، نساجی و گیوه‌بافی نیز تعلیم داده می‌شد. تأسیس اداره عقیقات نیز از یادگارهای این یزرگمرد است.

صنیع‌الدوله هر زمان از شرکت کردن در کابینه فراغت می‌یافت برای آبادانی کشور و دست زدن به کارهای عام‌المنفعه به طرح نقشه‌های وسیع و مفید می‌پرداخت. به ایجاد شبکه راه‌آهن دلبستگی بسیار داشت. اگر سرمایه خودش به تنهایی کفایت می‌کرد، بی‌گمان به این کار اقدام و دست‌کم تهران را به یکی از آبادیهای غله‌خیز نزدیک پایتخت مربوط می‌کرد، اما سرمایه‌اش برای انجام دادن این نقشه سنگین و پرخرج بس نبود، و هر چند کوشید یک یا چند تن از سرمایه‌داران را برای ساختن راه‌آهن میان تهران و ورامین با خود همراه کند موفق نشد. در کار استخراج زغال سنگ و استفاده از معادن سیم و سرب پس‌قلعه نیز کامیاب نگردید و هرچه خرج بسیار کرد زیان بیشتر برد. خرده‌گیران گفته و نوشته‌اند که صنیع‌الدوله چون دانشور و صاحب فضیلت بود و بسیاری از رجال هم‌زمان خود را از تربیت و دانش و بینش بی‌بهره می‌دید برای تصدی وزارت علوم جز خود کسی را شایسته نمی‌دانست، به